

اسماء حسنی

(نام های نیک خدا)

«بر اساس منابع اهل سنت»

استاد ناصر سبحانی

آماده و تطبیق، تنظیم و ویراستار:

جهانگیر ولدییگی

سرشناسه: سبحانی، ناصر، ۱۳۳۰-۱۳۶۸. عنوان و نام پدیدآور:
اسماء حسنی: (نام‌های نیک خدا) / ناصر سبحانی؛ آماده
و تطبیق، تنظیم و ویراستار جهانگیر ولدییگی. مشخصات
نشر: سنندج: آراس، ۱۳۹۵. مشخصات ظاهری: ۳۷۳ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۲-۴۷-۰. وضعیت فهرست نویسی:
فیا. یادداشت: چاپ قبلی: مردم‌سالاری، ۱۳۸۷. عنوان
دیگر: نام‌های نیک خدا. موضوع: خدا -- نام‌ها. موضوع:
God -- Name. موضوع: خدا -- صفات. موضوع: God-
Attributes. - شناسه افزوده: ولدییگی، جهانگیر، ۱۳۵۰،
ویراستار. رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۵۲الف/س۲/۹/۱۹BP
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۴۲. شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۲۷۵۱۸



انتشارات آراس

اسماء حسنی
(نام‌های نیک خدا)

مؤلف: استاد ناصر سبحانی

مترجم: جهانگیر ولدییگی

ویراستار: ناصر سبحانی

صفحه آرای: امیر نوری

طراح جلد: شعیب مکتب‌دار

نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۹۶

ناشر: آراس

تیراژ: ۲۰۰۰

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۲-۴۷-۰

مرکز پخش: سنندج پاساژ عزتی انتشارات آراس

تلفن: ۰۸۷-۳۳۱۲۸۳۴۱

فهرست

صفحه	عنوان
۱۵	مقدمه.....
۱۷	مختصری از شرح حال استاد (ع)
۱۸	تحصیل علوم دینی.....
۲۰	ویژگی های اخلاقی و شخصیتی استاد (ع)
۲۱	فعالیت های علمی و فکری استاد (ع)
۲۳	تحول فکری استاد (ع)
۲۴	فعالیت های سیاسی و اجتماعی استاد (ع)
۲۶	بیداری اسلامی و روش دعوت.....
۲۷	آثار مکتوب و غیر مکتوب استاد (ع)
۲۸	وداع استاد (ع)
۲۹	اسماء حسنی.....
۲۹	عبادت و عبودیت.....
۳۲	صفات خدا مدلول اسماء خدا هستند.....
۳۲	اهمیت شناخت اسماء حسنی.....
۳۳	بهترین راه شناخت اسماء حسنی.....
۳۵	هدف و مقصود نهایی تزکیه و تربیت.....
۳۹	«علم، عالم و علماء» از دیدگاه قرآن.....

- ۴۷ دسته‌بندی اسماء حسنی و توفیقی بودن آن‌ها
- ۴۸ نکته‌ی مهم
- ۴۹ تقسیم‌بندی اسماء
- ۶۱ ارتباط جهان آفرینش با خداوند در زمینه‌ی «امر»
- ۶۳ ربوبیت به معنای خاص، والوهیت
- ۶۶ شخصیت انسان به عنوان موجودی مستقل
- ۶۶ روح و نفس
- ۶۸ سر، قلب و سمع
- ۶۹ الحسب
- ۶۹ اما نیرای، ووم یعنی سمع
- ۷۱ تفسیر آیه‌ی «نَفَسْتُ فِیْهِ مِنْ رُّوحِی»
- ۷۲ خلافت خداوند به چه اساس است؟
- ۷۹ اسم اعظم (الله)
- ۸۱ اسماء مرتبط با زمینه‌ی «خلق»
- ۸۱ خَالِق، بَارِء، مُصَوِّر، مُسَوِّی، مُقَدِّر
- ۸۷ اشاره‌ای گذرا بر مسئله‌ی نظم در جهان آفرینش
- ۸۷ عالم، علیم، علام
- ۹۱ قادر، قدیر، مقتدر
- ۹۲ سمیع و بصیر
- ۹۳ کلام
- ۹۵ لطیف
- ۹۶ خیر

۹۶	حکیم
۹۹	شهید
۱۰۰	قُدُوس
۱۰۱	سُبُوح
۱۰۱	توضیحی در مورد تسبیح و حمد
۱۰۴	سلام
۱۰۴	حق
۱۰۵	«واحد، و احد»
۱۰۶	صمد
۱۰۷	الأول و الآخر
۱۰۹	الظاهر و الباطن
۱۱۰	غنی
۱۱۲	رشید
۱۱۳	باقی
۱۱۴	بدیع
۱۱۷	اسماء مرتبط با امر (ربوبیت)
۱۱۷	الرحمن الرحیم
۱۲۴	حقیقت «شکر» در ارتباط با مظاهر رحمت خداوند
۱۲۸	لطیف
۱۳۳	حمید
۱۳۳	شکور
۱۳۵	البرّ

- ۱۳۵ کریم
- ۱۳۶ حکیم
- ۱۳۹ فاعل بودن خدا، و اختیار مخلوقاتِ با اراده
- ۱۴۵ آیا خداوند انجام دهنده، سینات (گناهان) است؟
- ۱۴۹ زمینه‌های تحقق کارهای خدا
- ۱۵۱ درجات «تسلیم» و «رضا»
- ۱۵۳ معنای واقعی «حزن» و «خوف»
- ۱۵۳ آثار اسم «حکیم»
- ۱۵۶ وکیل
- ۱۵۹ قدر و رضا
- ۱۶۵ رازق، رزاق و خیر الرازقین
- ۱۶۸ پاسخ به یک سؤال اساسی
- ۱۷۰ ادامه‌ی مثال فرد داعی و حجب او به ...
- ۱۷۳ ضابطه‌ای کلی برای «توکل»
- ۱۷۴ توکل مستلزم اخذ اسباب است
- ۱۷۷ ولی
- ۱۷۸ رابطه ولایت عبد و معبود
- ۱۸۲ ودود
- ۱۸۳ ماجد و مجید
- ۱۸۶ رافع
- ۱۸۸ مُعَزِّز
- ۱۹۰ نافع

۱۹۱	 مُغْنَى
۱۹۳	 مُقْسِط
۱۹۴	 عَدَل
۱۹۸	 رُتُوف و رَأْف
۱۹۹	 واسع
۲۰۱	 مُنَّام و مُؤَخَّر
۲۰۳	 وَا بَدَل
۲۰۳	 حَاطَظ و عَفِیْظ
۲۰۶	 حَلِیْم
۲۱۰	 صَبُور
۲۱۲	 تَوَّاب و عَفُوّ
۲۱۴	 ارکان توبه
۲۱۶	 غَافِر و غَفُور و غَفَّار
۲۲۰	 سنگینی و سبکی اعمال انسان در روز قیامت
۲۲۲	 سلام
۲۲۶	 «سلام» شعار مؤمنین است
۲۲۷	 غیر مؤمنین و سلام دادن بر آنان
۲۲۸	 مؤمن
۲۳۲	 مُحِیّی
۲۳۳	 «حیات» گیاهان،
۲۳۳	 اما در مورد حیوانات،
۲۳۴	 و اما «حیات» در مورد انسان،

- ۲۴۲ و اما «حیات» در مورد خداوند
- ۲۴۳ الْقَيُّوم
- ۲۴۵ فَتَّاح و ناصر
- ۲۴۸ تفسیر مختصری از سوره‌ی «نصر»
- ۲۵۱ اسماء مرتبط با صفات مُلک
- ۲۵۳ مَالِك يَوْمَ الدِّينِ و مَلِك يَوْمَ الدِّينِ
- ۲۵۵ مَهِيْمَن
- ۲۵۶ عَزِيز
- ۲۶۰ جَبَّار
- ۲۶۲ کبیر، اکبر، متکبر
- ۲۶۵ قَاهِر و قَهَّار
- ۲۶۶ عَظِيم
- ۲۶۷ عَلِيم، اَعْلٰی و مُتَعَالٰی یا مُتَعَالٰی
- ۲۶۹ مُقِیت
- ۲۶۹ حَسِيب
- ۲۷۲ سَرِيع الحِسَاب و اَسْرَع الحَاسِبِین
- ۲۷۲ رَقِيب
- ۲۷۳ حَكَم، اَحْكَمُ الحَاكِمِین و حَكِيم
- ۲۷۶ قَوِيّ
- ۲۷۶ مُحْصِي
- ۲۷۷ الْمُمِيت
- ۲۷۷ مَانِع و ضَارّ

۲۷۹	 دِيَّان
۲۸۰	 مُبْدِءٌ، مُعِيدٌ، بَاعِثٌ، جامع و حاشِر
۲۸۰	 مُبْدِءٌ و مُعِيدٌ
۲۸۱	 بَاعِثٌ
۲۸۱	 جامع و حاشِر
۲۸۲	 الْوَرِثُ
۲۸۴	 الْمَدِيلُ
۲۸۶	 الْمُشْتَقُّ
۲۸۶	 الْجَلِيلُ
۲۸۷	 ذُو الْجَلَالِ وَالْإِزَامِ
۲۸۹	 اسماء مرتبط با الوهیت
۲۸۹	 مقدمه، معنای کلمه ربّ
۲۹۶	 اله
۲۹۸	 چرا «اله» برای کلمه‌ی توحید انتخاب شده است؟
۳۰۱	 اسماء مرتبط با فرمانروایی
۳۰۱	 النور
۳۰۶	 طرح یک سؤال
۳۰۹	 الهادی
۳۱۳	 اسماء مرتبط با فریادرسی
۳۱۳	 مُسْتَعَانٌ و مُجِيبٌ
۳۱۵	 پایان سخن، یادآوری چند مطلب

مقدمه

به قلم منصور سبحانی

﴿مِنَ الَّذِينَ رَفَعُوا صَدَقَاتُ مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ ۖ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ [۲۳]

«از مؤمنان مردانی که با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند. برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز] عقیده خود را [تبدیل نکردند].»

سپاس و ستایش خداوندی را که فرمانروای و فایده‌یادری جز او نیست؛ و درود و سلام بر روان پاک و مطهر پیامبر اکرم (ص) بن عبدالله و آل و اصحاب و پیروان شایسته‌اش.

به یاری خداوند و توکل بر او قصد داریم لحظاتی از حیات سیه «فقیه» و «خدا شناس» معاصر کردستان را به تصویر کشیم. خداشناسی که با عشق و سعه‌ی صدر لحظه‌ای آرام نگرفت تا این که به خاطر «دسوزی»، «صداقت»، «اخلاص» و «قلبی مالا مال از محبت و غم مسلمانان» وجودش را فدا نمود. او خدا را به حق شناخت و برای تقویت ایمان و شکوفایی جامعه اسلامی هر لحظه از عمر کوتاه اما پر برکتش را وقف

هدایت، رهبری و تربیت نمود. «دانشمند»، «مفسر» و «عالمی» برجسته، علامه‌ی کُرد که متأسفانه حتی در میان هم‌میهنانش نیز تا کنون ناشناخته باقی مانده و تنها عده‌ی معدودی از دوستان و شاگردانش توانستند از نعمت و فضل همنشینی با وی و از فکر و اندیشه و مدرسه تربیتی و علم و تلاش او بهره‌ها ببرند:

[آن عاشقان شرزه که با شب نریستند رفتند و شهر خفته ندانست کیستند]^[۱]

علت ناشناخته بودن ایشان را می‌توان به عواملی چند از جمله: اوضاع سیاسی، کوتاه بودن عمر مبارک و پراکندگی و عدم گردآوری آثارشان دانست که اینکه به واسطه است خدای متعال در صدد طبع و نشر آثارشان بر آمده‌ایم، به این است که تنگ‌ان حقیقت از این سر چشمه زلال سیراب شوند.

بعد از چاپ اثر جاودانه‌ی استاد (بندگی خدا)، از میان آثار غیر مکتوب به یادگار مانده‌ی ایشان، همچنین نموده‌ایم و کتاب پیش روی را تحت عنوان «اسماء حسنی» به زیور طبع اراستیم.

استاد فرزانه، ناصر سبحانی با ژرف‌نگری و غور در اقیانوس بیکران قرآن و با عمل به آن و با یادگار گذاشتن آثار قرآنی، به عنوان مجددی اقدام به تجدید مفاهیم دینی نمودند. در همین راستا اثر «اسماء حسنی» از جمله‌ی آثار قرآنی آن بزرگوار است که در نوع خود اثری جاودان و کم‌نظیر بوده و بدون مبالغه باید اذعان کرد که کتابخانه‌ی مدرسه‌ی اسلام تا کنون از وجود چنین اثری محروم بوده است. استاد خدا شناس را تعجبی در معانی آیات و سوره‌های قرآنی کشفی تازه نموده و برای اولین بار و به سیوه‌ای نو، نه تنها ۹۹ اسم رایج را، بلکه دیگر اسماء حسنای موجود در قرآن را در سطح علمی و ادبی بالایی بیان و تنقیح فرموده‌اند.

خدای را سپاس که تا کنون عده‌ی زیادی از مشتاقان از طریق کاست و یا

جزوه‌ی پیاده شده از این منبع علمی کسب فیض نموده و در این میان برادر بزرگوار و یکی از شاگرد مخلص آثار به جامانده استاد، جهانگیر ولدبیگی با عشق و علاقه‌ی خستگی ناپذیر جهت دسترسی همگان به این اثر گرانبها در پی گردآوری و تطبیق، تنظیم و سپس ویراستاری آن جهت چاپ و نشر همت گماشتند. خداوند از ایشان راضی باد؛ چرا که با این کار و تلاش، ما را خشنود نمودند. از جانب خود و خانواده‌ی سبحانی صمیمانه مراتب تقدیر و سپاس خود را از زحمات ایشان ابراز و تلاش و کوشش او را به دیده منت پذیرفته و از خدای متعال خواهان سعادت ابدی ایشان و دیگر دست اندرکاران این اثر مهم هستیم.

در پایان از خاورزنگ گرامی و متعهد تقاضا می‌شود پس از مطالعه‌ی این اثر قرآنی، که استاد آن را در روزگار سخت زندگیش بیان نموده‌اند، ما را از پیشنهادات و انتقادات خود آگاه فرمایند.

مختصری از شرح حال استاد

استاد ناصر سبحانی از جمله‌ی عالمان و تدبیرمندان معاصر اهل سنت ایران است که جایگاه علمی، اخلاص و دسوزن و تلاش بی‌وقفه‌ی ایشان برای دین و ملتش، تا کنون آن‌چنان که شایسته است در میان آشکار نشده و این امر نیازمند زمان بیشتری است.

استاد سبحانی رحمته‌الله را می‌توان در ردیف عالمان برجسته دهه‌ی طلایی جهان اسلام قرار داد. این رادمرد در زمینه‌ی تفسیر و بهره‌مندی از معانی الفاظ و درک حکمت آیات و سوره‌های قرآن و سایر علوم قرآنی مرتبط کم‌نظیر بوده و بدون شک می‌توان ایشان را در امر تعمق در محتوای موضوعات قرآنی و استخراج مفاهیم ارزشمند آن، حداقل در عصر کنونی، کم‌نظیر دانست.

استاد رحمته در مهر ماه سال ۱۳۳۰ هجری شمسی در روستای دورستان از توابع شهرستان پاوه در خانواده‌ای متدین و بی‌آلایش دیده به جهان گشود. در سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در سن هفت سالگی وارد دبستان تازه تأسیس زادگاه خویش گردید. در همان روزهای آغازین ورود به دبستان، نبوغ و تیزهوشی ایشان بر معلمان هویدا گشت و ایشان را در کلاس دوم ابتدایی پذیرفتند.

نوع و استعداد شگرف ایشان در مقاطع ابتدایی و مرحله‌ی اول تعلیمات عمومی دبیرستان، همگان از جمله معلمان و مربیان را شگفت زده کرده بود. پس از اخذ مدرک سیکل علی رغم اصرار پدر و دایی محترم ایشان و مربیان، ابتدا دبیرستان مبنی بر ادامه‌ی تحصیل در سطح دوم دبیرستان در شهر کرمانشاه تا اخذ مدارج عالی‌ی دانشگاهی، ایشان از پذیرش آن خودداری کرده و راهی حجره‌های علوم دینی شد؛ زیرا چنین انتخابی را مسیر رسیدن به آرزوهای دینی دیا.

در سن ده سالگی مادر گرامیش را از دست داد و از مهر و محبت مادری محروم ماند. در تابستان ۱۳۴۷ و در سن هفده سالگی در زادگاهش و نزد یکی از نزدیکانش در مدت قریب به چهل روز قرآن را ختم نمود.

تحصیل علوم دینی

استاد رحمته در تاریخ ۱۳۴۷/۷/۵ با انگیزه‌ی تسلط بر زبان قرآن و ادبیات عرب راهی حجره‌ی کوچک و بی‌آلایش نودشه، از توابع مهاباد پاوه گردید تا در خدمت استاد مرحوم ملا عبدالفتاح محمدی مطلق رحمته به کسب فیض مشغول شوند. در مدت زمان کوتاهی کتاب‌های شرح العوالم، الهدایه، اظهار، تصریف ملاعلی، وضع و استعاره، صرف میر، انموذج و سیوطی و ذات الشفاء و... را یکی پس از دیگری به حافظه سپرد. در همان

روزهای آغازین تحصیل به خاطر اجتناب از تحمیل هزینه خرید کتاب، کتاب‌های وضع و استعاره و صرف میر را از روی کتاب‌های استادش با خط زیبای خود بازنویسی کرد.

تیز هوشی و گیرایی استاد سبحانی زبان زد اساتید و طلبه‌ها بود. مرحوم ملا عبدالفتاح محمدی مطلق رحمته می‌فرمود: جناب ملا ناصر سبحانی کتاب سیوطی در شرح الفیهی امام مالک را ظرف دو ماه با متن و شرح آن خط زد و در حالی که طلبه‌های هم سطح او، همین کتاب را طی دو سال می‌خواندند.

طلبه‌ای هم دوره‌ی استاد چنین نقل می‌کنند که، استاد در حجره‌ی طلبگی چنان که با فال بود که هرگز دیده نشد که رختخوابش را جهت استراحت باز کند. همیشه پس از ما می‌خوابید و پیش از ما بیدار می‌شد. بسیار کم خوراک بود و بیشتر اوقات به خوردن چند دانه توت خشک قناعت می‌کرد. ایشان اکثر روزهای هفته روزه می‌برد.

پس از دو سال کسب فیض در خدمت استاد محمدی مطلق رحمته بنا به پیشنهاد وی به شهر پاوه بازگشت و در حجره‌ی مرحوم استاد ملا محمد زاهد ضیایی رحمته تحصیل را ادامه داد. ابتدا کتاب‌های شرح النظام و ایساغوجی را فرا گرفت سپس «مغنی اللیب» شرح عبداللہ یزدی، معانی، گلنبوی آداب، تفسیر بیضاوی، قسمت اعظم تحفة المحتاج در فقه امام اصفهانی و فرائض اثر شیخ معروف نوده‌ی را نزد استادش به اتمام رساند.

استاد از وقت خود به بهترین نحو ممکن استفاده می‌کرد. به عنوان مثال «علم تجوید» را در دوران طلبگی از رادیو قاهره فرا گرفت.

بعد از مدتی و با هدف ادامه‌ی تحصیل و استفاده از دیگر علمای کردستان به شهر پیرانشهر رفته و در مدرسه روستای «شلیم جاران» نزد ملا محمد بدایعی رحمته که از اهالی شهر لاهیجان بود به مدت یک سال به

تحصیل مشغول شد و کتاب‌هایی از جمله کلتوری برهان در علم منطق و جمع الجوامع در اصول فقه و... را به حافظه سپرد و پس از آن برای گذراندن دروس پایانی بنا به پیشنهاد استاد ملا محمد بدایقی رحمه الله راهی روستای «کانی سانان» از توابع شهر مریوان شد و در خدمت استاد مرحوم ملا محمد امین عالی رحمه الله به کسب فیض پرداخت و نهایتاً در نیمه‌ی اول سال ۱۳۵۳ موفق به اتمام تحصیلات علوم دینی گردید.

استاد بعد از پایان تحصیلات علوم دینی و به منظور ادای زکات علمش به روستای زادگاهش بازگشت و در سنگر مسجد حضرت عبدالله به هدایت و تربیت و ترویج و تنویر افکار عموم، به ویژه قشر جوان مبادرت ورزید. در شهریور ۱۳۵۴ ه.ش. در مراسمی با حضور استاد ملا محمد زاهد ضیایی رحمه الله، استاد ملا محمد بدایقی رحمه الله و ملا محمد امین عالی رحمه الله در روستای «دورود» سررکاد رحمه الله محضر مرحوم شیخ عثمان نقشبندی رحمه الله مفتخر به اخذ اجازه نامه علمی امامت، افتاء و تدریس شد.

لازم به ذکر است به دلیل اینکه اساتید تحصیلات وی، در این دوره، همگی از مریدان مرحوم شیخ عثمان نقشبندی رحمه الله بودند، با تأسی از آن‌ها به سلک تصوف گرایید و شب و روز مشغول مسافرت و درون خود بود.

ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی استاد

استاد با متانت و نرمی صحبت می‌کرد؛ صدایی آرام داشت. در راه رفتن بسیار متواضع بود. هنگام نشستن پاهایش را جمع می‌کرد. شامان روز سرگرم مطالعه، تحقیق، تلاوت قرآن و یا تدریس آن بود. برای هر لحظه از زندگیش ارزش قائل بود. هرگز عصبانی نمی‌شد. هرگز سوگند نمی‌خورد و به فردی که بسیار سوگند می‌خورد باور نداشت. از مبالغه گویی در سخن پرهیز داشت. خود را به مسایل دنیایی و پیش پا افتاده مشغول نمی‌کرد. اوقات

شبانۀ روز را تقسیم و برای هر قسمت آن برنامه‌ریزی می‌کرد. برای همه کس، حتی مخالفانش احترام قائل بود و مؤمنانه با آن‌ها برخورد می‌کرد. مناظره و گفتگوی یازده ساعته‌ی وی با جمعی از ماموستایان منطقه‌ی مریوان نمونه‌ای از متانت ایشان در بیان نظرات خود و احترام به نظرات دیگران است.

با ادران و خواهران و نامادری خود بسیار مهربان و صمیمی بود و آن‌ها را بسیار دوست می‌داشت.

با همه‌ی مردم و فرزندان اخلاقی قرآنی داشت. گاهی در کارهای منزل به هم می‌رفتند و با فرزندان بازی می‌کرد و بیشتر اوقات هنگام مطالعه و تحقیق در برابر زاری او به خواب می‌رفتند. به آرامی و در نهایت دلسوزی و بسیار حسیاسانه او را به معروف و نهی از منکر می‌نمود. حامی و غم‌خوار فقرا و یتیمان بود؛ به کسی ظلم روا می‌داشت و نه از کسی ظلم می‌پذیرفت.

فعالیت‌های دینی و فکری استاد

استاد پس از پایان تحصیلات علوم دینی و کسب اجازه نامه‌ی علمی، از محضر بزرگان و عالمان و اساتید نامی کردستان، ایران در ردیف مفاخر علمی کردستان به زادگاهش بازگشت و در سمت امام جمعه و جماعات و مدرس، مشغول ارشاد و پاسخگویی به مسائل شرعی و فرهنگی و افکار عمومی شد.

ایشان با تأسیس مدرسه، علوم دینی امام بخاری دوریسان، طلاب مشتاق علوم دینی را پذیرا شد و با اسلوبی نو، تحولی شگرف در نظام درسی مدارس سنتی آن زمان به وجود آورد.

وی در کنار فعالیت‌های دینی، در مسایل اجتماعی تشریک مساعی

می‌نمود و در رفع اختلافات خانوادگی و رفع مشکلات مردم تلاشی خستگی‌ناپذیر داشت.

با ارائه‌ی خطبه‌های دلنشین و عالمانه و برگزاری کلاس‌های قرآن، آوازه‌ی علمی ایشان در سراسر کردستان به ویژه منطقه‌ی اورامانات و شهر کرمانشاه منتشر شد. علاقه‌مندان بسیاری به ویژه از نسل جوان از شهر کرمانشاه، پاوه و نیز روستاهای اطراف به روستای دوريسان مشرف می‌شدند تا از محضر کراميسان بهره‌مند شوند.

سخنرانی‌های استاد از جهاتی قابل توجه بود. مخاطب قرار دادن مسئله‌ی با آفات قرآنی و احادیث صحیح، نقد سیستم‌های غیر دینی، عدم تمجید بی‌مبانی از نظام پهلوی و شخص اول مملکت (شاه ایران)، ذکر موضوعات (نده) روز و اشاره به حکمت‌های نهانی شریعت و جوانب مختلف یکتاپرستی، بسط و گسترش نوعی از نو اندیشی در میان مخاطبان مبادرت ورزید.

در سال ۱۳۵۴ با همکاری تعدادی از همسویانش اقدام به تأسیس مدرسه‌ی قرآن پاوه نمود و در این راستا به آموزش علوم قرآنی و تفسیر و تنویر افکار جوانان پرداخت.

بی‌گمان سخنرانی‌ها و فعالیت‌هایی از این نوع، اسباب نگرانی و تشویش خاطر مسئولان دولتی وقت را به فراهم آوردن دبه‌ای که مأموران مخفی خود را به ضبط سخنرانی‌های ایشان گماردند، رسانید. سرانجام مسئولین ساواک به طور رسمی از پدر و وابستگان استاد خواستند که ایشان را از ابراز چنین سخنرانی‌هایی باز داشته و در خطبه‌های خود همچون سایر وعاظ برای بقای نظام و شاه ایران دعا کنند؛ اما آشکار بود که تمام این تلاش‌هایی ثمر بود، زیرا استاد عهد کرده بود که حقیقت را بگوید و برای هیچ حاکم، و هیچ قدرتی سر تسلیم فرود نیاورد. به همین دلیل صاحبان قدرت تصمیم

گرفتند او را بر خلاف رویه‌ی معمول آن وقت نسبت به طیف ماموستایان و طلاب، یعنی معاف کردن از خدمت سربازی، به خدمت سربازی اعزام کنند.

استاد در تاریخ ۱۳۵۵/۱/۲۰ برای گذراندن دوره‌ی آموزش نظام وظیفه به پادگان آموزشی «رینه آمل»، در نزدیکی دامنه‌ی کوه دماوند اعزام و پس از مدتی به بندرشاه منتقل شد. پس از سه ماه خدمت در بندرشاه، به ناحیه‌ی زاندارمری سنندج منتقل شد. ایشان اوقات فراغتش را در زمان خدمت سربازی در مسجد همجوار ناحیه می‌گذراند. در ایام سربازی، به مطالعه، تدبیس و برگزاری جلسات عمومی برای جوانان همت گمارد.

نقل است که در سن ازدید محمدرضا شاه از شهر سنندج، استاد نیز همچون سایر سربازان هم‌وره‌اش به عنوان نگهبان، در راستای خیابان محل عبور شاه گمارده می‌شود. ایشان در همان لحظات به مطالعه کتاب «التفسیر و المفسرون» مشغول می‌شوند. در اثنای مشغولیت وی به مطالعه، شاه از آن‌جا عبور کرده و پس از پایان مراسم استاد از دیگر سربازان از کم و کیف مراسم و آمدن شاه سؤال می‌کنند.

لازم به ذکر است که استاد در سال ۱۳۵۶ در ناحیه‌ی زاندارمری سنندج در جلساتی با حضور افسران مخالف نظام پهلوی حضور و نظرات و دیدگاههای خود را در ارتباط با نوع مبارزه علیه نظام ابراز داشته و تبادل نظر می‌نمود. وی در تاریخ ۱۳۵۷/۱/۲۰ ترخیص و در روستای زادگاهش به فعالیت‌های دینی خود ادامه دادند.

تحول فکری استاد

قبلاً اشاره شد که استاد با تأسی از اساتید دوران تحصیلاتش به سلک تصرف‌گرائیده بود و در نقش یکی از مریدان مخلص شیخ عثمان نقشبند رحمته‌الله

به مصفا کردن دل و درون می‌پرداخت. این کار ادامه داشت تا این‌که اراده، مشیت و تقدیر خدای متعال به دگرگونی و شکوفایی استعدادهای بالقوه‌ی این شخصیت تعلق گرفته و با مطالعه‌ی کتاب «المصطلحات الاربعه فی القرآن»، اثر عالم برجسته، ابوالاعلی مودودی رحمته‌الله تحت تأثیر قرار گرفت؛ و در ادامه‌ی مطالعات قرآنی با استفاده از «مفردات راغب اصفهانی» تحول فکری ایشان قوت گرفت و به کلی از تصوف مشهور و عرفی فاصله گرفته و به رکیه و آموزه‌های قرآنی روی آورده و زندگی در سایه‌ی قرآن را از نو آغاز کرد.

فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی استاد رحمته‌الله

استاد رحمته‌الله در کنار فعالیت‌های دینی، دغدغه‌ی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را بر سر می‌پروراند و به عنوان یکی از فعالان سیاسی در حین اشتغال به تحصیلات علوم دینی همواره و به صورت مخفیانه با دیگر فعالان تبادل نظر می‌کرد.

در سال ۱۳۵۱ با تعقیب سرانجام جنگ مسلحانه‌ی ملامصطفی بارزانی علیه دولت بعث عراق، امیدوارانه اطرافیان خود را به تشکیل حکومت ملی کردستان نوید می‌داد. جوان دانش آموز را به فراگیری ادبیات کردی ترغیب می‌کرد.

در سال ۱۳۵۶ در حین استفاده از مرخصی سرکاری در جلسه‌ی مولود خوانی مسجد دوريسان و روز بعد از آن، در روستای نورباب، انکار عموم را متوجه احقاق حقوق از دست رفته‌ی خویش نمودند. پس از پایان سربازی و بازگشت به زادگاهش فعالیت‌های سیاسی ایشان در کنار فعالیت‌های دینی پررنگ‌تر شد. استاد ابتدا با ایراد سخنرانی‌های مختلف و روشنگرانه دانشجویان، فرهنگیان، بازاریان، علماء و طلاب را به اعتصاب و تظاهرات علیه نظام حاکم تشویق و با قرائت خواسته‌ها و رفع کاستی‌ها، مسنونان را

به چالش می کشیدند. ایشان با ایراد سخنرانی های مسجد حضرت عبدالله پاوه و مسجد جامع و ترتیب تظاهرات از مدرسه ی قرآن پاوه به سوی فرمانداری و تحصن اقشار مختلف مردم در سراب هولی پاوه، از سوی مأموران ساواک مورد تعقیب و برای مدت ۲۰ روز از دید عموم غایب و در منازل اقوام مخفی ماندند.

علاوه بر فعالیت های مذکور، می توان به اختصار به فعالیت های دیگر ایشان اشاره کرد؛ فعالیت هایی از جمله: شرکت در رفع نزاع های محلی، قومی، ادبی و خانوادگی؛ برگزاری کلاس هایی جهت تبیین امور دینی در رستای خانقاه، عضوگیری از میان جوانان در راستای طرفداری از مدرسه ی قرآن پاوه (مجمع طرفداران قرآن)، شرکت در سخنرانی ها و برگزاری تجمع ها و راهپیمایی ها و تحصن ها، گفتگو با رئیس و معاون اداره ی ساواک با حضور جمعی از مسئولین، پیرامون اوضاع سیاسی موجود، صدور قطعنامه هایی پیرامون ارادینخواهی، رفع معضل بیکاری، استیفای حقوق کارگران و حمایت از راهپیمایی های مردمی کرمانشاه و از بین بردن ظلم و ستم در منطقه، دعوت از همه ی گروه ها و جناح ها به حفظ اتحاد و برادری و التزام به آموزه های قرآن و مکتب اسلام، تلاش برای رفع بدبینی و اختلاف بین جاف و گوران، گفتگو با رئیس شهربانی وقت و فرماندار شهر در میان متحصنین، حمایت از مواضع به حق مرحوم علامه احمد مفسر زاده رحمه الله در کردستان، شرکت در جشن پیروزی انقلاب، تشویق و ترغیب مردم به شرکت در انتخابات، راهنمایی و ارشاد کمیته های تازه تأسیس انقلاب، موضع گیری در قبال اعمال خلاف اخلاق گروه های مسلح، نقد و ایراد به پیش نویس قانون اساسی ایران و درج آن در روزنامه ی کثیرالانتشار کیهان، سخنرانی در حسینیه ی ارشاد تهران پیرامون پیش نویس قانون اساسی، شرکت در کنفرانس خودمختاری کردستان، ملاقات با رهبر انقلاب - در

دو نوبت - پیرامون مشکلات اهل سنت و کردستان، برگزاری کلاس‌های تفسیر و تبیین ایدئولوژی اسلامی برای جوانان دختر و پسر در شهر پاوه، تدریس برای طلاب علوم دینی مستقر در مدرسه‌ی علوم دینی پاوه به مدت بیش از شش ماه، هجرت به کرمانشاه و نقد عملکرد دستگاه‌های اجرایی و امنیتی، حضور در کنگره‌های اول و دوم شورای مرکزی اهل سنت ایران، معروف به «شمس»، و پذیرفتن نایب رئیسی این شورا، سفر به پاکستان - در دو نوبت - که بار اخیر یک سال به طول انجامید، شرکت در کنفرانس اسلامی در پاکستان و ملاقات با علمای طراز اول جهان اسلام و رهبران گروه‌ی اسلامی، سفر به ترکیه و تأسیس انجمن رابطه‌ی عالمی کُرد، رسیدن به اوج راه‌ی دعوت و بیداری اسلامی و تشکیل «جماعت دعوت و اصلاح» و در بیان دعوت خدا را لبیک گفتن برای شروع زندگی مجدد در عالم برزخ، و...

بیداری اسلامی و روش دعوت

همچنان که پیش‌تر اشاره شد استاد پس از مطالعات و تحقیق و غور در اقیانوس بیکران قرآن، به طور کلی از روش مشهور در میان عامه فاصله گرفته و با مطالعه‌ی کتاب «اصول الدعوة» دکتر عبدالکریم زیدان، پرتو بیداری اسلامی در ایشان نفوذ و با مطالعه تفسیر «فی ظلال القرآن» شهید، سید قطب رحمته الله و «مجموعه رسائل» امام شهید حسن البنا رحمته الله کاملاً در این مسیر قرار گرفت و دریافت که این نوع تفکر با قرآن و آیات قرآنی تطبیق و سازگاری کامل داشته و اطمینان یافت که این مدرسه فکری توانایی بازگرداندن عزت و سروری و اقتدار از دست رفته‌ی اسلام را داراست. به همین سبب بود که حتی قبل از دیدار با شخصیت‌های منتسب به تفکر جهانی اخوان المسلمین، با خود عهد بسته بود که در این مسیر حرکت

کند تا این که بعدها با بازگشت عده‌ای از طلاب از کردستان عراق، که از پرتوهای تابناک آفتاب بیداری اسلامی برخوردار شده بودند و نیز مهاجرت عده‌ای از اعضای این بیداری به ایران و ملاقات استاد با آنان و گفتگو و تبادل نظر پیرامون وضعیت موجود دنیای اسلام و روش دعوت اسلامی، اطمینان قلبیش در درستی مسیری که در پیش گرفته بود فزونی یافت و تا پر گشودن به دیدار دوست در این مسیر حرکت کرد تا این که حاصل تلاش بی‌وقفه و مخلصانه، آن عزیز سفر کرده منجر به تأسیس «جماعت دعوت و اصلاح» ایران گردید.

آثار مکتوب عبد مکتوب استاد رحمته الله

استاد سبحانی رحمته الله لحظاتی از عمر مبارکش را بدون تعلیم و تعلم سپری نکردند. شب‌ها تا پاس از شب، چون خلف صالح به مطالعه‌ی کتب و میراث سلف صالحش می‌دانست. چه شب را چون «مستغفرین بالاسحار» به صبح می‌رساند یا در روز کتاب‌ها سر بر زمین می‌نهاد تا لحظاتی روح مبارکش از قالب تن بیساید و رز به تدریس پردازد تا زکات علمش را به «باقیات صالحات» تبدیل نماید و این گونه میوه و ثمره‌ی آن را در یوم الحساب بچیند. حاصل این جهد و تلاش، ارسال مقالات عربی و فارسی برای چاپ در مطبوعات خارجی و داخلی، تالیف میراث پیشینیان صالحش به شیوه‌ای جدید، از جمله تلخیص کتاب‌های «مدارج السالکین» اثر ابن قیم جوزی رحمته الله و «الاعتصام» امام شاطبی رحمته الله اشاره کرد. در زمینه‌های مختلف تفسیر و علوم حدیث، آثار مکتوبی از خود بجای گذاشته‌اند و همچنین آثاری از قبیل «الولایه و الامامه، فتاوی، الرسول النبوی الالامی، به سوی رستگاری، ولایت و امامت و رساله‌ی آلام من ارض البلیا» به یادگار مانده است. ضمناً نوارهای متعددی در زمینه‌های مختلف

تفسیر، حدیث، علوم قرآن، عقیده، اخلاق، تزکیه، اصول فقه، احکام و ده‌ها موضوع دیگر از جمله‌ی میراث آن قهرمان توحید است.

وداع استاد رحمه‌الله

سرانجام پس از ۳۸ سال و ۶ ماه عمر پر خیر و برکت در این دنیا، تقدیر خالق حکیم بر این بود که ایشان با ناتمام گذاشتن بسیاری از آثار در ۲۸/۱۲/۶۸، با دنیای فانی وداع و به ملکوت اعلیٰ پرواز کند. ما از وضعیت آن ماه‌ها و روزهای تلخ زندان هیچ اطلاعی نداریم، اما مطمئن هستیم که لول ایشان در این مدت از رکوع و سجده‌های طولانی و بندگی مخلوق نانه و مملوت دل‌حزین قرآن ایشان خاطره‌ها دارد.

مزار مبارک استاد رحمه‌الله در شهرستان قروه از توابع استان کردستان قرار دارد.

ما آسوده به آنیم که از او سیریم و جیم که آسودگی ما عدم ماست

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٩٠﴾

منصور سبحانی

پاوه - خرداد ۱۳۸۷ / ۲ / ۱۸